

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۸

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال نهم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۵

تطبیق گرایی روایات آخرالزمان در سریال غریب سود

علی رضایی آدریانی^۱

سید محمدرضی آصف آگاه^۲

چکیده

تطبیق گرایی یکی از مهم ترین آسیب های معارف مهدوی است. تطبیق گرایی زمینه های گوناگون اجتماعی، فکری و سیاسی دارد. یکی از گونه های جدید تطبیق گرایی، تطبیق گرایی رسانه ای است. در این گونه تطبیق گرایی، در قالب برنامه نمایشی، رویکرد تطبیق علائم ظهور، به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه به مخاطب منتقل می گردد. این رویکرد به دلیل بهره بردن از ساختار داستانی - نمایشی، تأثیر ماندگاری دارد و تطبیق صورت گرفته، به آسانی از ذهن و خاطر مخاطبان برطرف نخواهد شد. یکی از آخرین تطبیق گرایی هایی که در عرصه حوزه نمایشی اتفاق افتاد، مجموعه تلویزیونی غریب سود است که در ماه رمضان ۱۴۳۸ قمری به عنوان سریالی اجتماعی از هفت شبکه ماهواره ای عربی پخش گردید. این سریال با رویکرد نقد گروه تکفیری داعش تولید و پخش گردید و راهبرد اصلی آن در نقد داعش، بهره گیری از روایات آخرالزمانی است. این راهبرد و روایاتی که در این سریال مورد استفاده قرار گرفته، در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی

تطبیق گرایی، علائم ظهور، غریب سود، روایات آخرالزمان.

۱. طلبه خارج فقه و اصول، کارشناسی ارشد تهیه کنندگی تولید از دانشکده صداوسیما قم (نویسنده مسئول)

(golzar1971@yahoo.com)

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم.

مفهوم‌شناسی

تطبیق، از ریشه طبق، به معنای در برگرفتن و پوشاندن چیزی است. تطبیق و مطابقت آن است که چیزی را بالای چیزبگذاری که به اندازه آن باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه تطبیق) در اصطلاح نیز مطابقت، تطبیق و طباق از محسنات کلام و به معنای مطابقه و مقابله و موافقت و برابر کردن دو چیز با هم است. مقصود از تطبیق‌گرایی، همپوشانی روایات علائم ظهور بر مصادیق خارجی یا عدم انطباق آن است. (مهدیان‌فر، ۱۳۹۴: ۲۳) علامت، در لغت عرب به معنی نشانه است. بنابراین مقصود از علائم ظهور، نشانه‌هایی است که نزدیک شدن ظهور را نشان می‌دهد و به کمک آن می‌توان مهدی موعود علیه السلام را از مدعیان دروغین شناسایی کرد. (آیتی، ۱۳۹۰: ۱۵)

غرایب سود، واژه قرآنی در سوره فاطر است:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيَضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ﴾. (فاطر: ۲۷)

این اصطلاح به عنوان مجموعه‌ای تلویزیونی عربی برضد داعش قرار گرفته است.

مقدمه

غرایب سود، نام مجموعه‌ای تلویزیونی است که در ماه رمضان سال ۱۴۳۸ قمری از هفت شبکه ماهواره‌ای عربی^۱ پخش گردید. این مجموعه تلویزیونی، محصول شرکت رسانه‌ای و عربستانی «ام بی سی» است.

موضوع این سریال، نقد گروه تکفیری با رویکرد ویژه به موضوع زنان داعشی است. ماجراهای سریال، براساس داستان‌های واقعی نیروهایی که از داعش بریده و یا مدتی را در سلطه داعش گذرانده‌اند، نگاشته شده است. سریال تلاش داشته است تا حوادث و اصول جاری در سرزمین‌های داعش را به تصویر بکشد. موضوعاتی مانند جهاد نکاح، اسارت زنان، بازار برده‌فروشی، فریب جوانان به وسیله فضای مجازی و آماده‌سازی برای عملیات انتحاری. در نگارش فیلمنامه از مشاوره و آثار خانم «هبة مشاری حمادة»، فیلمنامه و نمایشنامه‌نویس کویتی استفاده شده است. وی در کتابی، خاطرات و وقایع زندگی زنانی که توانسته‌اند از سلطه داعش در رقه بگریزند، گردآوری کرده است.

۱. مانند: ام بی سی ۱، ابوظبی دراما، قناة ابوظبی، تلویزیون المستقبل، تلویزیون الانتشار لبنان، شبکه ام بی سی مصر.

این رویکرد، سبب گردید تا این مجموعه از همان آغاز تولید و سپس پخش آن، با واکنش‌های متفاوتی در جهان اسلام (عرب) روبرو گردد. واکنش‌هایی که در کنار تهدید داعش، سبب ایجاد هشتگ‌هایی^۱ از سوی کاربران جهان عرب برضد این سریال گردید.^۲

این سریال، با هزینه‌ای بالغ بر ۲۰ میلیون دلار، محصول شرکت تلویزیونی «الشرق الاوسط» معروف به (MBC) است.^۳ این مجموعه، دارای شبکه‌های گوناگون - نمایشی، موسیقی، سرگرمی و خبر - تلویزیونی بوده و مقر اصلی آن در شهر دبی امارات می‌باشد. در کشورهای سعودی، مصر، لبنان و آمریکا نیز دفاتر نمایندگی دارد. مهم‌ترین شبکه‌های این شرکت، شبکه mbc1 است که فیلم و سریال‌های عربی و ترکی پخش می‌کند.

امور فنی و تولید سریال در شرکت تولید و توزیع سریال‌های تلویزیونی توسط «صبح بیکتشرز» انجام شده است. این شرکت در دبی مستقر است و مالک آن، عامر الصباح، لبنانی‌الاصل می‌باشد. سریال غریب سود را سه نفر کارگردانی کرده‌اند: حسام الرنتیسی (سوریه‌ای)، حسین شوکت (مصری) و عادل ادیب (مصری). ابتدا عادل ادیب به مدت دو سال درگیر سریال بود. در آن زمان نام اولیه سریال، «علی قلوب أفعالها» بود. حسین شوکت ادامه سریال را به عهده می‌گیرد و تا ۸۰٪ کار تصویربرداری سریال را پیش می‌برد. سرانجام حسام قاسم رنتیسی سوری، باقیمانده تصویربرداری و تدوین تمام سریال را به سرانجام می‌رساند.

بخش زیادی از سریال در کشور لبنان تصویربرداری گردیده است و در آن، هنرمندانی از ۷ کشور عربی، ایفای نقش کرده‌اند. از جمله این بازیگران محمود بوشهری، بازیگر ایرانی‌الاصل (متولد ۱۹۸۱م) مقیم کویت است، وی از سال ۲۰۰۱ فعالیت حرفه‌ای خود را با بازیگری در سریال «زندگی زن» (حیات المرأة) شروع کرد. برادر کوچک تروی، عبدالله بوشهری نیز بازیگر مقیم کویت است.

۱. برچسبی است که برای دسته‌بندی و به اشتراک‌گذاری پست‌ها و نظرات درباره موضوعی خاص در سطح جهانی و فراتر از حلقه و فهرست دوستان به کار می‌رود (ویکیپدیا).

۲. <http://www.al-culture.net/index.php/portfolio/1733-houssam-k-al-rantissi>

۳. این شرکت سعودی، متعلق به ولید بن ابراهیم بن عبدالعزیز آل ابراهیم است. آل ابراهیم، مالک شبکه‌های ام بی سی و العربیه هستند. ولید، برادر جوهره بیوه «ملک فهد» می‌باشد. وی از شخصیت‌های مهم خاندان سعودی و لیدر رسانه‌ای آن می‌باشد. ثروت وی، حدود سه میلیارد دلار تخمین زده می‌شد.

سازندگان این مجموعه تلویزیونی تلاش کردند با بهره‌گیری از نام‌گذاری با واژه‌ای قرآنی و بهره‌گیری از روایات آخرالزمانی، نگاه و احساس مخاطب را صرفاً نسبت به گروه تروریستی داعش - و نه تمامی گروه‌های تروریستی - بدبین سازند و از میان تمامی گروه‌های تروریستی، تنها این گروه و تنها حامیان ادعایی آن^۱ را به عنوان حامیان تروریست معرفی سازند. در این پژوهش به چگونگی بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات آخرالزمان با رویکرد سیاسی در تولید یک مجموعه تلویزیونی می‌پردازیم.

سیاهی بی‌نهایت، تطبیق‌گرایی قرآنی

تلقی رایج در جامعه ایران نسبت به وهابیت تکفیری و گروه‌های تروریستی، اطلاعاتی سطحی و تمسخرآمیز است. انسان‌های حقیری که آمال و آرزوی شان وصال حوریان بهشتی، به همراه داشتن قاشق هنگام عملیات انتحاری برای هم غذا شدن با پیامبر ﷺ در بهشت و فتاوی‌ای مسخره‌ای همچون حرام بودن استفاده خیار برای زنان و گوجه فرنگی برای مردان است. چنین رویکردی بیشتر جنبه شادی‌آور و سرگرمی دارد. مخاطب به این‌گونه آثار توجه جدی ندارد چون انتظار وقوع فاجعه بزرگی را ندارد. چنین رویکردی در برنامه تلویزیونی «وهابی چه خبر» که از شبکه تلویزیونی ولایت پخش گردید، دیده می‌شود.

سریال با پرهیز از ساختار ملودرام (سطحی‌گرایی عاطفی)، کم‌دی و گروتسک^۲، ساختاری تراژدی‌گونه را برای پرداختن به موضوع برگزیده است. البته در یونان باستان، تراژدی بازتاب زندگی افراد طبقات والای اجتماعی است ولی تراژدی در عصر مدرن و پست مدرن، برای کلیه طبقات اجتماعی و به صورت کلی برای نوع بشر جاری می‌شود. هدف تراژدی نیز ایجاد ترس یا ترحم است؛ هدفی که در این سریال نیز محقق می‌شود. ترس از داعش و ترحم بر انسان‌هایی که مسیر نادرست برای رسیدن به بهشت و سعادت را برگزیده و پایانی غمبار را تجربه می‌کنند. سرانجام شومی که بیننده بعد از دیدن تراژدی

۱. قطر و کویت، البته از نگاه سرمایه‌گذاران و عوامل سعودی و اماراتی سریال.

۲. گروتسک (Grotesque) واژه‌ای ایتالیایی است. این واژه اشاره به نوعی سبک، مفهوم و اصطلاح در مجسمه‌سازی، هنرهای تزئینی، نقاشی، طراحی، معماری، هنرهای نمایشی، زیبایی‌شناسی و ادبیات می‌کند. ویژگی بارز این اصطلاح، ناهنجاری، عجیب و غیب بودن، خنده‌دار، وحشت و بیش از همه عنصر خیال است. (پاکباز، ۱۳۸۵: ۴۴۶).

از این که خود دچار چنان سرنوشتی نشده است احساس سبکی کند. قهرمانان سریال با این منطق به دو دسته تقسیم می‌شوند: شخصیت‌های سیاه و شخصیت‌های خاکستری. شخصیت‌های سیاه، هیچ‌گونه ترحمی در مخاطب ایجاد نمی‌کنند. شخصیت‌هایی مانند ابوطلحه، ابودرداء، ابوجریر، ابومصعب، مقداد از مردان، و خنساء و امل از زنان. اما شخصیت‌های متوسط سریال، شخصیت‌هایی خاکستری‌ای هستند که همگی ترحم‌انگیزند. تقریباً تمامی زنان و مردانی که از ابتدای سریال به توهم رسیدن به جامعه آرمانی و دروازه‌های بهشت، به داعش می‌پیوندند تا کودکانی که در گردان بچه‌های بهشت خدمت می‌کنند، همگی شخصیت‌های هستند که علیرغم این که راه و انتخابی نادرستی در زندگی دارند، آدم می‌کشند و ترسناک به نظر می‌رسند. اما این شقاوت، ذاتی وجود آنها نبوده و از این رو قابل شفقت و ترحم و هم‌ذات‌پنداری مخاطب هستند. در واقع تلاش سریال این است تا با ایجاد حس هم‌ذات‌پنداری نسبت به شخصیت‌های میانه سریال، مخاطب را جای آنان قرار دهد، و از طریق آنان، تجربه زندگی به اصطلاح رؤیایی را به مخاطب بیرون از سرزمین داعش منتقل کند. مخاطب در جایی دورتر از سرزمین داعش، با تجربه تلخ و سوگ انجامی، روبرو می‌شود و بعید است پس از دیدن سریال، هوس پیوستن به داعش و یا زندگی در چنین شرایطی را تجربه کند. از این رو، سریال به توفیق والایی دست یافته است.

سریال برای دست‌یابی به فضای تراژدی و ایجاد حس ترس در مخاطب، از الگوی ژانر ترس و وحشت در سینما بهره برده است. این حس در سریال دو کارکرد دارد. از یک سو، فضاسازی را در خدمت مضمون قرار می‌دهد و از سوی دیگر، با نشان‌های بصری داعش، که رنگ سیاه در آن برتری دارد، همخوانی دارد. در این بخش، به بررسی نشانه‌های سیاهی و تاریکی در این سریال می‌پردازیم:

الف) نام سریال

اولین راهبرد سریال در ایجاد حس ترس و وحشت، بهره‌گیری تطبیق‌گرایانه از قرآن کریم است. «غرابیب سود» اصطلاحی است که در سوره فاطر، آیه ۲۷ آمده است:

﴿لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ﴾.

هرچند برخی سایت‌های فارسی‌زبان، این اصطلاح را به کلاغ‌های سیاه ترجمه کرده‌اند، اما در ترجمه‌های قرآن، این واژه به معنای «سیاه تیره» است. واژه «غرایب» جمع غریب، به معنی سیاه پررنگ است. عرب به کلاغ «غراب» می‌گوید زیرا رنگ آن سیاه پررنگ است. کلمه «سود» جمع اسود به معنی سیاه است. پشت سرهم آمدن این دو کلمه، تأکیدی است بر معنای سیاهی شدید در ترجمه‌های قرآن به فارسی غرایب سود، به همین معنا آمده است: به رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه! (نرم‌افزار جامع التفاسیر، ترجمه مکارم شیرازی)؛ با رنگ‌های گوناگون و رگه راه‌هایی سخت سیاه (همان، ترجمه گرمارودی)؛ و رنگارنگ و به غایت سیاه (همان، ترجمه آیتی).

بنابراین، اصطلاح غرایب سود، در قرآن در توصیف کوه‌های سیاه به کار رفته است و به معنای اوج و نهایت سیاهی است. سریال تلاش کرده است تا این سیاهی بی‌نهایت را در تصویر و قصه‌ها برای بیننده ترسیم کند. از دیدگاه امانی ابوعیسی^۱ منظور از اسم «غرایب سود» در قرآن، کوه‌های بلند و سیاه است. این استعاره در سریال این‌گونه بازنمایی شده است. مردان داعش که قد و قامت‌های بلند و لباس‌های سیاه دارند.

ب) عنوان بندی سریال

دومین بخشی که بر این مضمون تأکید می‌کند، ترانه آغازین و پایانی سریال است. مضمون این ترانه علاوه بر تأکید بر واژه سود - سیاهی - در دیگر بیت‌های این ترانه، تکرار می‌گردد. مضمون‌هایی چون: دشمنی با خداوند، رفتار ناشایست در لفافه سخنان زیبا و منسوب به پیامبر، قلب‌های سنگدل، دشمنان زندگی، ظلم، ستم، نیرنگ، یاران ابلیس، جوانانی که دریای نادانی اند و هرزشتی از آنان آشکار و هرگمراهی از آنان صادر می‌شود.

غرایب سود وسود الجباه	خصوم لرب علافی علاه
عداة رقی وفن وجاه	سنقضی علیهم بعز الإله
یشیعون قولاً لخیرالهدی	ویأتون فعلا شنیع المدی
فهم لجهنم خیر دعاة	سنقضی علیهم بعز الإله
قلوب السخائم عداة الحیاة	عثانین شرطغاة جفاة
للؤم وغدر رعاة حماة	وأعوان ابلیس فی مبتغاه

۱. امانی ابوعیسی، روزنامه نگار نشریه مصری «الموجز» است.

حداثه سن وبحر سفسه لكل قبيح يعيب الأباه
وكل ضلال وظلم شاده سنقضی علیهم بعز الإله

ج) فضاسازی سریال

سریال سرزمین رمزآلودی برای مخاطب تصویر می‌کند. البته گفتگوهای اولیه سریال در تضاد با این مضمون و ساختار است. از دیدگاه قهرمانان - اعضای جدید داعش - راهی سرزمین دروازه بهشت می‌شویم. جایی که در آن از رنج و ستم، خیانت و فاصله طبقاتی و گرسنگی، خبری نیست. زن و مرد و کودک، همه برابرند و همه در خدمت یک هدف قرار دارند: مسیر هموار رفتن به بهشت. اما اندکی نمی‌گذرد که فضا، دیالوگ‌ها، کادربندی و موسیقی تغییر می‌کند.

مقدراعش، ساختمانی مخروبه و ویران است. ساختمانی که نماد قهرمانان دراکولا گونه سینمای وحشت است. ساختمان‌هایی که محل زندگی ولگردان و جنایتکاران است. درب و دیوار این ساختمان ویرانه، با نوشته یا با پارچه‌های سیاه پوشانده شده، سیاهی لباس زنان و گذر بخش زیادی از حوادث در شب، این سیاهی را تأکید می‌کند. اوج تأکید بر سیاهی در نمایی است که دختر بچه‌ای در سرزمین تحت سیطره داعش، تمامی مدادهای رنگی خود را کنار انداخته و تنها با مداد سیاه نقاشی می‌کند. سیاهی در شهر، مدرسه و بیمارستان موج می‌زند. تنها رنگ غالب بر رنگ سیاه، رنگ خون است. رنگی که روی اشیاء و بدن‌ها با شلیک گلوله یا انفجار پاشیده می‌شود. هویت بچه‌های داعش نیز در لباس و تفنگ‌های سیاه تأکید می‌شود. صحنه تمرین پل صراط، تمرین عذاب قبر برای بچه‌های داعش، صحنه‌های جلسات سران داعش در ساختمان مخروبه، جلسه بیعت زنان داعش، همگی با کادرهای بسته، رنگ سیاه و بدون رحم و شفقت است. رنگ سیاه حتی بر روی عروسک‌ها و نقاشی‌های کیف و کتاب بچه‌ها نیز می‌نشیند.

موسیقی سریال، دارای دو تم و ریتم سوزناک و هول‌آور است. در صحنه‌های عاطفی و عاشقانه سریال که اندک و ناتمام است، تم سوزناک جریان دارد و صحنه‌های ترسناک با موسیقی و ضرباهنگ ترسناک، همراهی می‌گردد؛ ضرباهنگی که مخاطب به دنبال آن، انتظار یک خشونت، یک خونریزی یا انفجار را دارد.

زندگی در سرزمین داعش، از هیچ ثبات و آرامشی برخوردار نیست. در هر لحظه و هر زمان، شب یا روز، ممکن است زنان، مردان یا کودکان سیاهپوش، مسلح به خانه، مغازه،

مدرسه یا مسجدی وارد شوند و پشت سرشان جنازه‌ای باقی بگذارند. ویژگی بارز سرزمین داعش، محرومیت است؛ محرومیت از همه چیز، محرومیت از آرایش، از شادی و از آزادی. مهم‌ترین ویژگی این محرومیت و سیاهی این است که رنگ و بوی دینی دارد. تفاوت ژانر سریال با فیلم‌های سینمای ژانر وحشت این است که این وحشت و ترس در سریال، برچسب مقدس و دینی دارد. این نکته‌ای است که موجب رنج مضاعف شخصیت‌های سریال و هراس بیشتر در مخاطب می‌گردد. در واقع دراکولای این سریال نه موجودات ناشناخته، بلکه امر دینی است که در رفتار و گفتار قهرمانان داعش، تجلی پیدا کرده است. این نکته سبب گردیده تا در فضای مجازی، اعتراض زیادی به سریال صورت بگیرد. تصویر چهره سیاه و تیره از دین به نام تصویر داعش.

این سریال بیش از آن که به دنبال ایجاد حس ترخم در مخاطب باشد، به دنبال ایجاد حس ترس و وحشت در مخاطب است. این حس ترس و وحشت، از طریق قهرمانانی ایجاد می‌شود که با رنج بردن به حقیقتی هولناک دست می‌یابند. حقیقتی که ماهیت واقعی و پشت پرده داعش را برای آنان و در نتیجه مخاطب، آشکار می‌سازد. با چنین رویکردی سریال بهشت رؤیایی داعش را به نقد می‌کشد.

در سریال از نگاه مجاهدان جدید و کسانی که به آنان خوش آمد می‌گویند، سرزمین داعش، به عنوان دروازه‌های بهشت موعود تصویر می‌شود. سریال خیلی زود، بهشت زیر سلطه داعش را به تصویر می‌کشد. زندگی که مترادف با محرومیت است. در منطقه زیر سلطه داعش، حرمت و حرام و ممنوعیت حرف اول را می‌زند. قید و مرزهای شرعی به دقت رعایت می‌شود و سایه مرگ بر همه جا گسترده است. این مرگ ممکن است به خاطر عکس یک حیوان روی شیشه مربا، بلند بودن لباس مردانه، نداشتن دستکش زنانه یا عکس باربی روی کیف و دفتر دانش‌آموزان باشد. جامعه تحت سلطه داعش، فاقد هرگونه آزادی برای اقلیت دینی، سیاسی و یا فکری است. موسیقی به جز سرودهای حماسی داعش ممنوع است. آرایش و لوازم آرایش از وسایل شیطان است. هرگونه رنگ شاد ممنوع است و در کنار تمامی این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها که به نام دین تحمیل می‌شود، مردم می‌باید خود را شاد و بانشاط نشان دهند به ویژه در برابر دوربین‌های تلویزیونی داعش. تصویری که جهانیان از سرزمین داعش می‌بینند، همچون عکس‌های آتلیه عکاسی‌ها، روتوش شده و به دور از واقعیت است؛ واقعیتی که سریال

تلاش دارد، به دقت آن را برای مخاطب به تصویر بکشد. بهشتی ظاهری که در درون آن، جهنمی سوزان وجود دارد. جهنمی که در آن مجموعه‌ای از جرم و جنایت جریان دارد: برده‌داری انسان‌های آزاد، زنده به گورکردن زنان و کودکان، تجاوز به زن شوهردار و کودکان خردسال، کشتار مردم عادی در بازار، تجارت اعضای بدن انسان، ویران کردن آثار باستانی، اسارت و قتل عام اقلیت‌های دینی، ویرانی کنیسه‌ها، هتک حرمت مساجد و قرآن کریم، زندگی اسارت‌بار زنان، از دست رفتن شور و نشاط کودکی و

د) انسان‌نماهای تیره

هدف این مجموعه تلویزیونی ایجاد نفرت از داعش و جلوگیری از پیوستن جوانان مسلمان - به ویژه عرب - به این گروه است. از این روش شخصیت‌پردازی در این مجموعه جایگاه ویژه‌ای دارد. البته سریال برای دست‌یابی به این توفیق بر روی دو گونه شخصیت، تمرکز ویژه دارد: زنان و کودکان.

۱. زنان داعش

سریال با موضوع زنان قربانی داعش تولید شده است. موضوعی که در تیتراژ سریال نیز خود را نمایان کرده است. ترانه‌ای برضد داعش که خواننده‌ای زن آن را می‌خواند، و سرانجام نام سریال که روی نقاب سیاه زنان می‌آید. زن که مظهر زیبایی و عاطفه است، در این سریال مظهر خشونت، بی‌رحمی، هراس و تاریکی است. سریال از همان ابتدا بر تبعیض جنسیتی بین زن و مرد در دیدگاه داعش، تأکید می‌کند. مجاهدان جدیدی که به داعش می‌پیوندند، وضعیتی متفاوت دارند. مردان در لباس‌های مورد علاقه و رنگارنگ، در اتوبوسی قدیمی، به سوی سرزمین داعش می‌روند و خوشحال‌تر از زنان به نظر می‌رسند. زنان جدیدی که به داعش می‌پیوندند، در کامیونی که روی آن پلاستیک کشیده شده، در لباس‌های سیاهی که مشخص نیست کجا به تن کرده‌اند، به سرزمین داعش منتقل می‌شوند.

چنین زنانی، با آموزش‌هایی همچون عذاب قبر، خیلی زود به گردان‌های نهی از منکر پیوسته و اسلحه به دست به تفتیش خانه و بازار و کیف زنان شهر فرستاده می‌شوند. آنان که تا دیروز قربانی همین تفتیش‌ها بوده‌اند، اکنون ناچارند با بی‌رحمی، به دقت حدودی را نظارت و اجرا کنند که ذره‌ای به آن اعتقاد ندارند. از این رو این زنان، بیش از

قربانیان نشان، سزاوارترحم و شفقت هستند؛ شخصیت‌های ساده و عادی که سرنوشتی تراژیک پیدا می‌کنند. آنان با اراده خود و البته بر اثر یک باور یا تصمیم اشتباه، به داعش پیوسته‌اند، خیلی زود دنیای آرزوهایشان به سراب تبدیل می‌شود ولی سرابی که امکان بیرون آمدن از آن وجود ندارد. هیچ موجود زنده‌ای نتوانسته از سرزمین داعش، بیرون رود. حتی دختر و همسر ابویاسر، به همراه او هنگام فرار از سرزمین داعش، کشته می‌شوند. سریال برای برانگیختن احساس مخاطب، توجه ویژه‌ای به زنان یزیدی دارد. یزیدیان یا ایزدی‌ها یا ایزدیان، اقلیت مذهبی کرد است که در مناطق شمالی عراق، سوریه و جنوب شرق ترکیه زندگی می‌کنند و از دیدگاه داعش، کافر محسوب می‌شوند. از این رو دو سرنوشت محتوم آنان مرگ یا بردگی است. آنان حق استفاده از حجاب را ندارند تا از زنان مسلمان باز شناخته شوند. وظیفه‌شان خدمت به مسلمانان و داعش است. یکی از این خدمات، سوءاستفاده جنسی است؛ آن‌هم زمانی که مردان‌شان در میدان تیرکودکان داعش، به عنوان سیل و هدف، قرار دارند، و البته پس از هر شکست داعش، آنان اولین قربانیان داعش هستند. سریال برخلاف برخوردی که کشورهای عربی و سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشر هنگام حمله داعش به منطقه سنجار - عراق - نسبت به نسل‌کشی ایزدی‌ها داشت، تلاش دارد تا نگاه انسان‌دوستانه و حق به جانب نسبت به ایزدی‌ها داشته باشد و دست‌کم حس ترحم مخاطب مسلمان را نسبت به این اقلیت مذهبی - غیرمسلمان - برانگیزاند.

پاشنه آشیل^۱ سریال در موضوع زنان، جهاد نکاح است. جهاد نکاح، موضوعی است که سریال از ابتدا بر روی آن تأکید ویژه‌ای دارد. این موضوع نقطه تقابل موافقان و مخالفان سریال است. در حالی که مخالفان سریال، به بهانه دفاع از هویت زن مسلمان - اهل سنت - اساساً پدیده‌ای به نام جهاد نکاح را نفی می‌کنند و آن را همان ازدواج موقت می‌دانند که تنها در جامعه شیعه رواج دارد، سریال سرانجام به موضوع و رواج پدیده جهاد نکاح دست کم در سرزمین داعش، مهر تأیید می‌زند. البته تصویری که سریال از جهاد نکاح ارائه می‌دهد با آنچه که اسناد و گزارش‌های به دست آمده از

۱. پاشنه آشیل، اصطلاح و اسطوره‌ای یونانی است که دلالت بر ضعفی علی‌رغم سلامت و قدرت عمومی دارد و می‌تواند منجر به زوال شود. گرچه ریشه اساطیری آن، اشاره بر آسیب‌پذیری فیزیکی دارد اما در استعارات کنونی می‌تواند بر هر خصیلتی که منجر به شکست شود تعمیم داده شود (ویکیپدیا).

سرزمین‌های داعش، منعکس کرده، متفاوت است. در سریال، دوزن به نام سارا و غدیر، پس از ۲۰ سال عقده جنسی و حسرت ازدواج، برای جهاد نکاح به سرزمین داعش می‌آیند. در گفتگویی بین غدیر و مفتی داعش و سپس تأکید چند باره از سوی خنساء، جهاد نکاح این‌گونه معرفی می‌شود: زنانی که به داعش پیوسته‌اند، می‌باید به ازدواج مردان داعشی درآیند تا نیاز جنسی آنان را برطرف نمایند. این‌گونه ازدواج، صورتی از ازدواج شرعی است. حال آن‌که براساس اسناد موجود داعش، شکل جهاد نکاح، به جای ازدواج دائم با مردان داعشی، گونه‌ای ازدواج موقت است که در آن هر زن، در یک روز، با چند مرد، همبستر می‌گردد. سریال تلاش دارد تا این تصویر منفی را از زنان و مردان داعش، برطرف نماید و به جهاد نکاح، جنبه شرعی و رسمی ببخشد. از این رو، برخلاف جنجال تبلیغاتی که در فضای مجازی برضد سریال از سوی کاربران اهل سنت راه افتاده، سریال به جای توهین به زن مسلمان و ارائه چهره جنسی از مجاهدان داعش، در حال تطهیر آنان و ارائه شکلی اصلاح شده از جهاد نکاح است. شکلی که به هیچ وجه مخاطب نسبت به آن موضع منفی نمی‌گیرد و آن را پس نمی‌زند. در نتیجه در این مجموعه تلویزیونی نوعی دفاع از مرام داعش صورت گرفته است.

۲. کودکان

کودکان در کنار زنان، قربانیان تاریکی و تباهی داعش هستند. اهمیت کودکان در سریال به این دلیل است که اگر زنان آگاهانه - هرچند به خاطر فریب، گرسنگی یا نیاز جنسی - پیوستن به داعش را انتخاب کرده‌اند، بیشتر کودکانی که به داعش پیوسته‌اند همچون حمد و ماجد، اختیار و حتی آگاهی از این وضعیت خودشان نداشته‌اند. مخاطبانی که بارها نام کودکان انتحاری داعش را شنیده‌اند، جالب است بدانند که این کودکان استثنایی چه کسانی هستند؟ از کجا آمده‌اند؟ چگونه تربیت می‌شوند؟ آیا واقعاً با میل و اراده به سوی مرگ و نابودی می‌روند؟

کودکان داعش، تصویر درست و دقیقی از بهشت موعود ندارند و آن را در آسمان تصور می‌کنند. بهشت آسمانی‌ای که از دیدگاه آنان، راه رسیدن به آن هواپیما و سفینه فضایی است نه جلیقه‌های انفجاری. کودکانی که قرار است دنیای پاک و معصوم کودکی را از دست داده و به قاتلانی بی‌رحم تبدیل شوند. کودکانی که مانند ماجد حتی حق گریه کردن و ترسیدن را ندارند. کودکانی که از آغوش خانواده جدا شده‌اند و به آغوش اسلحه

پناه برده‌اند. کودکانی که اسباب بازی شان، بیش از آن‌که بازی، سرگرمی و شادی باشد، جدی و خشن است. از این رو آموزش‌هایی می‌بینند که ترس و وحشت را در روح و وجود آنان نهادینه می‌سازد. سریال تلاش ویژه‌ای دارد تا این آموزش‌ها را به تصویر کشد. آموزش‌هایی که بخشی از آن همچون تمرین تیراندازی، با علایق کودکان در بازی‌های رایانه‌ای همخوانی دارد. سریال در به تصویر کشیدن پیوند بین بازی‌های رایانه‌ای خشن و زمینه‌سازی برای پیوستن به داعش، تا اندازه‌ای توفیق یافته است. از این رو کودکان داعش بیش از آن‌که به خاطر باورهایشان جنایت کنند، به خاطر سرگرمی و یا ترس و یا فرو ریختن شخصیت شان، دست به جنایت می‌زنند. کودکانی همچون ماجد که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و یا از تجاوز جنسی به همسالان شان با خبر شده‌اند، تجاوز جنسی، وجه مشترک کودکان آسیب دیده داعش است؛ آسیبی که حتی حق ندارند با همسالان خود نیز گزارش کنند؛ آسیبی که بیش از آن‌که لذت جنسی باشد، ویرانی روح و جسم آنان را به همراه دارد؛ ویرانی‌ای که آنان را شخصیت‌هایی عقده‌ای می‌کند و آنان را آماده هرگونه جنایتی می‌سازد.

ماجد کودک لالی که ناخواسته و به اجبار مادرش، به سرزمین داعش آمده است، تقریباً نماد کودکان داعش است. کودکی که مورد تمامی سوءاستفاده‌ها قرار می‌گیرد ولی نمی‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند. نمی‌تواند حرف دل خود را به دیگران بگوید و برای ادامه حیات ناچار است آنچه که به او دیکته می‌شود، انجام دهد از کشتن بیگناهان، تا تجاوز جنسی، راه رفتن روی آتش، یا خوابیدن در قبر.

ترحم برانگیزترین کودک سریال، علاوه بر ماجد، احمد است. کودکی که مادرش در بازار دست‌فروشان توسط ابوطلحه کشته می‌شود ولی زیر دست ابوطلحه به کودکی قاتل تبدیل می‌شود. کودکی که به جای انتقام گرفتن از قاتل مادرش، کودک هم‌سال خود در بازار را به قتل می‌رساند.

تطبیق‌گرایی روایی

در ابتدا و انتهای بیشتر قسمت‌های سریال غرابیب سود، دو روایت به عنوان پیشگویی‌هایی درباره ظهور و البته پایان داعش، آورده شده است. این دو حدیث ترسیم‌کننده مضمون و تصویرهایی است که سریال از داعش ارائه می‌دهد. سریال با ارائه

گزینشی و هدفدار از احادیث پیشگویی‌های آخرالزمان - به روایت اهل سنت - آن دسته از احادیث را که در تأیید مضمون سریال و خواسته سازندگان آن است را به مخاطب ارائه می‌دهد تا به شکل ناخودآگاه به مخاطب القاء کند که مضمون و پیام سریال، برگرفته از روایات اسلامی و معتبر است. اهمیت این روایات در این است که روایات برگزیده شده توسط سازندگان سریال، درست در برابر روایاتی است که گروه تکفیری داعش برای تأیید خود، از مجموعه روایات آخرالزمان، ارائه می‌دهد.

۱. حدیث حذیفه

این روایت از حذیفه بن یمان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌گردد:

حذیفه می‌گوید: مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره خیر و خوبی‌ها پرسش می‌کردند ولی من از بدی‌ها و شر می‌پرسیدم، زیرا می‌ترسیدم که مرا فراگیرند. گفتم، ای رسول خدا: ما در دوره جاهلیت و شر بودیم تا این که خداوند این خیر را برای ما آورد. آیا پس از این خیر و خوبی، شری خواهد بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آری. پرسیدم: آیا پس از این شر، باز هم خوبی خیری خواهد بود. فرمودند: آری، ولی در آن ناصافی است - دخن - به معنای دود و ناصافی است - پرسیدم: دود و ناصافی آن چیست؟ فرمودند: گروهی که به غیر دین من هدایت می‌شوند، آنان را می‌شناسی و انکار می‌کنی. پرسیدم: آیا بعد از آن خیر، باز شر هست؟ فرمودند: آری، دعوت کنندگانی که به سوی درهای جهنم می‌برند. هرکس دعوت آنان را بپذیرد، او را در جهنم می‌اندازند. گفتم: ای رسول خدا، آنان را برای من توصیف کن. فرمودند: آنان گروهی از ما - مسلمانان - هستند که به زبان ما هم سخن می‌گویند. گفتم: اگر آن دوره را دریافتیم، چه کنم؟ فرمودند: با جماعت مسلمین و رهبران آنها باش و از آنها جدا نشو. پرسیدم: اگر مسلمان اتفاق کلمه نداشتند و رهبری واحد نداشتند، چه کنم؟ فرمودند: پس از همه این گروهک‌ها کناره‌گیر حتی اگر به آویزان شدن از شاخه درختی باشد، تا این که مرگ تو فرا رسد و تو در این حالت - پناه بردن به شاخه درختی - باشی.^۱

۱. عن حذيفة: كان الناس يسألون رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الخير وكن أسأله عن الشر مخافة أن يدركني، فقلت يا رسول الله: إنا كنا في جاهلية وشر فجاءنا الله بهذا الخير فهل بعد هذا الخير من شر؟ قال: نعم، قلت: وهل بعد ذلك الشر من خير؟ قال: نعم، وفيه دخن، قلت: وما دخنه؟ قال: قوم يهدون بغير هديي، تعرف منهم وتنكر، قلت: فهل بعد ذلك الخير من شر؟ قال: نعم، دعاة على أبواب جهنم، من أجابهم إليها قذفوه فيها، قلت: يا رسول الله: صفهم لنا، فقال: هم من جلدتنا ويتكلمون بألسنتنا، قلت: فما تأمرني إن أدركني ذلك؟ قال: تلزم جماعة المسلمين وإمامهم. قلت: فإن لم يكن لهم جماعة ولا إمام؟ قال: فاعتزل تلك الفرق كلها ولو أن تعض بأصل شجرة حتى يدركك الموت وأنت على ذلك.

(عسقلانی، ۱۴۰۷ هـ، کتاب الفتن، باب کیف الأمر إذا لم تكن جماعة؛ نووی، ۱۴۱۶، کتاب الاماره، باب وجوب ملازمة جماعة المسلمين عند ظهور الفتن، حدیث ۱۸۴۷)

سریال دو گونه تطبیق گرایی از این روایت ارائه داده است:

گونه اول: تطبیق شری است که در روایت توصیف گردیده است. همان گونه که روایت توضیح داده است، عناصر گروه تکفیر داعش از دیدگاه سریال، گروهی از جوانان مسلمان هستند که هریک از سرزمینی به این گروه پیوسته اند. زبان بیشتر آنان نیز عربی است. آنان پاره های تن این امت اسلامی اند که از اصل و ریشه خود جدا شده اند.

گونه دوم: جمله ویژه ای که از سوی سازندگان سریال مورد توجه ویژه قرار گرفته است جمله «تلمز جماعة المسلمين وإمامهم» است. این روایت، تلاش دارد تا به مخاطب القاء کند که تمام کشورهای به اصطلاح متحد در برابر داعش، به عنوان «جماعت» و امت واحده اسلامی شناخته می شوند. این کارکرد را شخصی به نام ابو عمر در سریال به عهده دارد. او به عنوان معلم دینی، به گروه داعش می پیوند تا دخترش را که با نیرنگ به سرزمین داعش برده شده و سپس به ازدواج یکی از سران داعش درآمده، به خانه بازگرداند. ابو عمر شخصیت واسطه و البته کاتالیزور^۱ سریال است که تلاش دارد بین اسلام داعش و اسلام رسمی اهل سنت فاصله بیندازد ولی در قالب مونولوگ هایی^۲ که در جای جای سریال ارائه می دهد، تلاش دارد تا در برابر اسلام داعش، قرائتی رسمی از اسلام مورد نظر سازندگان سریال ارائه دهد. قرائتی که به عنوان جماعت و امت اسلامی شناخته می شود و طبیعتاً، رهبری این جماعت هم که عربستان سعودی است به عنوان رهبری امت اسلامی تلقی می گردد. البته سریال به ناچار حدیث را کامل آورده است و چنین القا می کند که حتی اگر کشورهای اسلامی پراکنده باشند، کناره گیری از جهاد و گروه های تروریستی، بهتر است از پیوستن به آنها است.

مفهوم حدیث هر چند نسبت به موضع گیری در برابر گروه های افراطی اسلامی، مثبت است ولی با تبلیغاتی که رسانه های همسوبا عربستان در برابر برخی گروه های جهادی

۱. ماده ای است که اگر به مخلوط واکنشی افزوده شود، سرعت رسیدن ماده به حالت تعادل در سیستم را، بدون آن که خود دستخوش تغییر شیمیایی پایدار شود، تغییر می دهد و معمولاً آن را افزایش می دهد.
۲. واگویی های درونی یک شخصیت که برای مخاطب (بیننده یا خواننده اثر) آشکار می شود.

همچون حماس از خود نشان می‌دهند و آنان را گروهک‌های تروریستی هم ردیف داعش، معرفی می‌کنند - که هر دو گروه از سوی کشور واحدی چون قطر حمایت می‌شوند - مخاطب مسلمان، ناخودآگاه، گروه‌هایی مانند حماس را همچون داعش تصور کرده و هرگونه مبارزه برای آزادی فلسطین را نوعی موضع‌گیری در برابر حدیث پیامبر و عملیاتی تروریستی، تلقی خواهد کرد.

۲. حدیث پرچم‌های سیاه

این حدیث با عنوان «ذکر فی الاثر» آمده است. برخلاف حدیث اول - حذیفه -، هیچ اشاره‌ای به گوینده حدیث که امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام است، نشده است. از سوی دیگر با عنوان «اثر» آمده که به معنای نفی آن به عنوان حدیث است. همچنین «ذکر» که فعل مجهول است اشاره به ضعف سند حدیث از دیدگاه اهل سنت دارد. به هر حال سریال برخلاف دیگر نقل قول‌های روایی که گوینده را مشخص می‌کند، با حذف نام امام علی علیه السلام، از حدیث آن حضرت، به نفع سریال بهره‌برداری می‌کند. نعیم بن حماد (متوفای ۲۸۸ ق) در کتاب «الفتن» از امام علی علیه السلام چنین روایت می‌کند:

هنگامی که پرچم‌های سیاه را دیدید، پس برجای خود محکم بمانید به دنبال آن پرچم‌ها نروید - دست و پایتان حرکت نکند - سپس گروهی ضعیف‌الایمان آشکار می‌شوند، که دارای دل‌های محکم همچون قطعه‌های آهن هستند. آنان دارای حکومتی هستند که به هیچ عهد و پیمانی وفادار نخواهند بود. در حالی به حق دعوت می‌کنند که اهل آن نیستند. اسامی آنان کنیه است - ابوفلان و ام فلان - و نسبت‌های آنان به سرزمین‌های گوناگون است - شیشانی، جولانی، بغدادی - و موهایشان همچون موهای زنان بلند و رها است، تا این‌که بین خود دچار اختلاف می‌شوند و سپس خداوند حق را از جایی که بخواهد آشکار می‌سازد.^۱ (مروزی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۱۰؛ سیوطی، بی‌تا: ج ۱۶، ۱۶۳)

این حدیث، از یک جهت هم سبباً نام قرآنی است که برای سریال انتخاب شده -

۱. حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، وَرَشْدِيُّ، عَنْ ابْنِ لَهْيَعَةَ، عَنْ أَبِي قَبِيلٍ، عَنْ أَبِي رُوْمَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السُّودَ فَالْزَمُوا الْأَرْضَ فَلَا تُحَرِّكُوا أَيْدِيَكُمْ، وَلَا أَرْجُلَكُمْ، ثُمَّ يَظْهَرُ قَوْمٌ ضَعْفَاءُ لَا يُؤْبَهُ لَهُمْ، قُلُوبُهُمْ كَزَبَرِ الْحَدِيدِ، هُمْ أَصْحَابُ الدَّوْلَةِ، لَا يُفُونَ بِعَهْدٍ وَلَا مِيثَاقٍ، يَدْعُونَ إِلَى الْحَقِّ وَلَيْسُوا مِنْ أَهْلِهِ، أَشْمَآؤُهُمُ الْكُنَى، وَنَسَبُهُمُ الْقُرَى، وَشُعْرُهُمْ مُرَخَّاءٌ كَشُعُورِ النِّسَاءِ، حَتَّى يَخْتَلِفُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ، ثُمَّ يُؤْتِي اللَّهُ الْحَقَّ مَنْ يَشَاءُ».

غرابیب سود - و از سوی دیگر، نماد بارز داعش را که پرچم‌های سیاه است به خوبی به عنوان نماد شروفتنه معرفی می‌کند. سریال با انتخاب هوشمندانه این روایت، تلاش دارد نمادهای داعش را به عنوان نمادهای منفی به ناخودآگاه مخاطب منتقل سازد. سریال برای بهره بردن از این حدیث، تلاش داشته تا تمامی شخصیت‌های اصلی - مرد - سریال را با کنیه معرفی کند. هم‌چنین ویژگی شخصیت‌های سریال، خون‌ریزی و پیمان‌شکنی حتی نسبت به یکدیگراست، ویژگی‌ای که برای پیروان پرچم‌های سیاه گفته شده است. ویژگی بارز این حدیث، جمله پایانی آن است: «يُؤْتِي اللَّهُ الْحَقَّ مَنْ يَشَاءُ». این جمله در حدیث، از نگاه سریال، مرز بین حق و باطل را مشخص می‌کند. سریال از یک سودنیایی سراسر خشن و البته باطل از داعش به تصویر می‌کشد، و از سوی دیگر، با تصویر هواپیماهای نیروهای هم‌پیمان بین‌المللی بر ضد تروریسم، تلاش دارد تا این نیروها را به عنوان منجی به تصویر بکشد. بروی هواپیماهایی که مقرر داعش را بمباران می‌کنند، پرچم اردن دیده می‌شود. خلبانی هم که به اسارت در می‌آید، بر مسلمان بودن خود اصرار می‌ورزد و نه تنها شهادتین می‌گوید که بر پیامبر و خاندان او، درود می‌فرستد. از آن‌جا که در تیتراژ و پایان برخی از قسمت‌های سریال، حدیث حذیفه از پیامبر ﷺ و حدیثی از امام علی علیه السلام روایت می‌گردد، در این حدیث تصریح می‌شود گروه‌هایی چون داعش، بر باطل بوده و پس از آن حق آشکار می‌شود. سریال به گونه‌ای غیرمستقیم تلاش دارد تا نیروهای بین‌المللی که عربستان سعودی نیز جزو آن است را به عنوان حامیان و آشکارکنندگان حق در برابر باطل داعش، به تصویر بکشد.

ویژگی دیگر این روایت، اشاره به خشونت نهفته در درون تکفیرهای داعش و تفکر آنان است. این خشونت در سریال، در قالب سخنی از عمر بن خطاب تأکید می‌گردد. خنساء - شخصیت اول زنان داعش در سریال - هنگامی که می‌خواهد به زور فرزندان خردسال را از مادرشان جدا کرده و به گردان بچه‌های داعش الحاق کند، سخنی از عمر بن خطاب نقل می‌کند:

اخشوشنوا فَإِنَّ التَّعَمَّ لَا تَدُومُ. (ابن ابی الحدید، بی تا: ج ۱۲، ۱۴۰)

البته در متن اصلی واژه اخشوشنوا یک بار آمده ولی خنساء دوبار می‌گوید. اخشوشان، به معنی پوشیدن لباس خشن و سختی در زندگی است. بر خودتان سخت بگیرید

که نعمت‌ها پایدار نمی‌ماند. این سخن، حقیقت زندگی داعش را به تصویر می‌کشد. زندگی‌ای که سراسر خشن و همراه با تحمل سختی‌ها و رویگردانی از لذت‌ها و نعمت‌های خدادادی و حلال می‌باشد. جالب این است که پیروان داعش، این سختی را هم بر خود و هم بر دیگران، تحمیل می‌کنند و چهره خشنی از خود و اسلام، ارائه می‌دهند.

۳. حدیث خوارج

روایتی است که مونولوگ ابوعمر در حال نماز است؛ روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف خوارج - زمان امام علی علیه السلام - است. البته سریال این روایت را بر داعش تطبیق کرده است. ویژگی این روایت هم این است که تصریح می‌کند گروه‌هایی همچون داعش، هر چند فقط در بین مسلمانان ظهور و بروز پیدا می‌کنند ولی لزوماً از مسلمانان نیستند، از این رو نباید آنان را با اسلام یکی دانست.

سهل بن حنیف از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم، فرمودند:

در این امت - اسلام - گروهی بیرون می‌آیند که نماز شما را کوچک و بی‌ارزش می‌شمارند. قرآن را تلاوت می‌کنند ولی از گلوها یا حنجره‌های آنان تجاوز نمی‌کند - به آسمان نمی‌رود - از دین بیرون می‌روند مانند تیرهایی که از کمان پرتاب می‌شوند، پس تیرانداز به تیر و کمان و زه نگاه می‌کند در حالی که تیر در آسمان ناپدید شده است، آیا با آن خونی ریخته شده یا نه؟^۱ (ابن بطریق حلی، بی‌تا: ۴۶۶)

مشابه این حدیث در کتاب صحیح مسلم نیز آمده است. (نیشابوری، ۱۴۰۷: ح ۱۰۶۸؛ شبیبانی، ۱۴۱۵: ح ۱۵۴۱۰)

ویژگی این روایت این است که بنابر نقل روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که این گروه تکفیری از این امت باشد، بلکه تنها فرمودند، در این امت چنین گروهی ظهور می‌کند. براساس مفاد این روایت گروه‌هایی مانند داعش اساساً از مسلمانان نیستند هر چند در میان مسلمانان ظهور پیدا کنند و این هدفی است که سریال در تلاش است

۱. «سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول يخرج في هذه الأمة ولم يقل منها قوم تحقرون صلاتكم مع صلاتهم فيقرءون القرآن لا يجاوز حلقهم أوحناجرهم يمرقون من الدين مروق السهم من الرمية فينظر الرامي إلى سهمه إلى نصله إلى رصافه فيتماري في الفوقه هل علق بها من الدم شيء».

تا مخاطب به آن برسد. از این رو، سریال در کنار به تصویر کشیدن نماز و قرآن خواندن و نهی از منکر این گروه و همچنین تحقیر این گروه نسبت به دیگر مسلمانان، تلاش دارد تا بین این گروه و دیگر مسلمانان مرزبندی ایجاد کند. همان گونه که در بررسی روایت اول گذشت، این مرزبندی توسط شخصیتی دینی و معلم قرآن، به نام ابوعمر به عنوان نماینده اسلام رسمی اهل سنت، ارائه می گردد تا مخاطب دچار خطا در تطبیق نگردد.

تطبیق گرایی داعش

رویکردی که سریال در تطبیق گرایی انتخاب کرده است، این توهم را برای مخاطب ایجاد می کند که اکنون در دوره آخرالزمان و دوره تطبیق عینی روایات علائم ظهور زندگی می کند. البته خود مخاطب حق این تطبیق گرایی را ندارد و رسانه هایی که به عنوان جریان رسمی اهل سنت شناخته می شوند، وظیفه دارند تا این تطبیق را انجام داده و مصداق درست علائم ظهور را به وی ارائه دهند. از این رو مصداقی که ممکن است دیگران از روایات علائم ظهور ارائه دهند، اعتباری ندارد چون از سوی جریان رسمی اهل سنت و جماعت ارائه نشده است.

از سوی دیگر، معیار سریال برای صحت این تطبیق گرایی، وجود نشانه های فعلی روایات در گروه داعش است. سازندگان سریال این نکته را از مخاطب پنهان داشته اند که آنان - سازندگان سریال - از علائمی در تطبیق گرایی بهره برده اند، که خود جریان تکفیری این علائم و نشانه ها را در اختیار آنان قرار داده است. با این رویکرد، جریان تکفیری داعش نه تنها واهمه ای از این تطبیق گرایی ندارد بلکه آن را به نفع خود می داند. زیرا هنگامی که مخاطب ناآگاه یا سرگردان، به وادی تطبیق گرایی افتاد آن گاه در میان ادعاهای گوناگون سرگردان می شود و ممکن است نوع تطبیق گرایی ای را برگزیند که گروه داعش از روایات علائم ظهور ارائه می دهند.

از دیدگاه گروه تکفیری داعش، ارائه پرچم های سیاه در یک سریال حتی با برچسب اصطلاح قرآنی - غرایب سود - نشانه منفی از تطبیق گرایی علائم ظهور نیست بلکه می تواند نشانه خوبی باشد. زیرا روایتی که سریال در نقد پرچم های سیاه ارائه داد، در برابر احادیث پرچم های سیاه قرار دارند که مسلمانان را توصیه می کند هرگاه پرچم های سیاه

«روایات سود» خروج کرد به آن‌ها بپیوندید، زیرا این پرچم‌های برای کمک به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خروج کرده و در برابر طاغوت‌های زمان قیام می‌کنند. البته در این روایات، خروج پرچم‌های سیاه از مشرق و سرزمین خراسان گفته شده است نه سرزمین شام؛ ثوبان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که:

إذا رأيتم الرايات السود قد جاءت من خراسان فأتوها، فإن فيها خليفة الله المهدي.

البته در سنن ابن ماجه، این حدیث اضافه‌ای دارد:

إذا رأيتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان، فأتوها ولو حبواً، فإن فيها خليفة الله المهدي، (ابن ماجه، بی تا: ح ۴۰۸۴).

یعنی سینه خیز هم که شده به سوی این پرچم‌ها بروید. این حدیث از دیدگاه اهل سنت، حدیث صحیح می‌باشد،^۱ اما حدیثی را که سریال در نقد روایات سود نقل می‌کند، ضعیف می‌دانند.^۲

گروه تکفیری داعش در کنار بهره بردن از این روایات، تلاش دارد تا خود را مصداق عینی این نشانه‌های ظهور جلوه دهد و از این رو، به شکل‌های گوناگون، برای تطبیق‌گرایی مهر تأیید می‌زند؛ از انتخاب رنگ سیاه برای پرچم‌های گروه داعش گرفته، تا انتخاب نام «دابق» برای نشریه رسمی این گروه تروریستی و اشغال پرسروصدای شهرک بی ارزش دابق به عنوان یک پیروزی استراتژیک و آخرالزمانی.^۳

البته در روایات اهل سنت و شیعه، به دو گروه «پرچم سیاه» اشاره شده است، پرچم‌های سیاه مثبت که در جهت کمک به امام زمان عجل الله تعالی فرجه از سوی شرق ظهور می‌کند و پرچم‌های سیاهی که در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه قرار دارد. سریال، با رویکرد تطبیق‌گرایانه، قضاوت یک جانبه نسبت به داعش دارد.

نتیجه‌گیری

سازندگان سریال که خود از بنیان‌گزاران داعش هستند،^۴ در تغییر جهتی آشکار، با رویکرد تطبیق‌گرایانه به روایات آخرالزمانی اهل سنت، از میان تمام گروه‌های تروریستی در

1. <http://islamicsham.org/fatawa/1423>

2. <http://www.ammonnews.net/article/202787>

3. <http://www.theatlantic.com/features/archive/2015/02/what-isis-really-wants/384980>

4. <http://irdiplomacy.ir>

عراق و سوریه - همچون جبهه النصره، ارتش آزاد سوریه و جبهه اسلامی سوریه -، تنها داعش را به مسلخ برده و تلاش دارند تا حس نفرت و انتقام بینندگان سریال را تنها نسبت به این گروه ایجاد کنند. این تغییر جهت از یک سو به دلیل به پایان رسیدن تاریخ مصرف این گروه تروریستی - دست کم در جهان عرب - و از سوی دیگر زدودن خاطره حمایت کشور عربستان سعودی از ذهنیت افکار عمومی جهان عرب به صورت خاص و افکار عمومی جهان، به صورت عام است. سیاستی که بخشی از دگرگونی‌های ولیعهد جدید عربستان سعودی (محمد بن سلمان) با عنوان سند چشم‌انداز «عربستان در سال ۲۰۳۰ میلادی» است. در این رویکرد، عربستان از افراط‌گرایی افراطی وهابی، فاصله گرفته و به یک کشور پیشرفته در حوزه صنعتی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل خواهد شد.^۱

از دیدگاه سریال، تنها یک گروه تروریستی در منطقه خاورمیانه وجود دارد و آن هم گروه تروریستی داعش است و دیگر گروه‌های جنگجوی به ظاهر مسلمان، گروه‌های جهادی هستند که شایسته همراهی یا تقدیر و تجلیل می‌باشند هر چند در صورت ظاهری و رفتار، همانند داعش بوده و این نشانه‌های منفی، بر آنان منطبق باشد.

بدیهی است که مخاطب با پذیرفتن این نسبت، هربار چنین جنایتی را شنید، ناخودآگاه نام داعش به ذهن او خطور می‌کند و نسبتی بین این جنایات و دیگر گروه‌های تروریستی - به اصطلاح جهادی - در فرهنگ سعودی‌ها و هم‌پیمانانش نمی‌بیند. در واقع، تولیدکنندگان سریال، تلاش دارند با فدا کردن گروه داعش و حامیان آن - قطر - آبرویی برای دیگر گروه‌های تروریستی خریداری کنند. سریال تلاش دارد با ارائه هویت کویتی و گذرنامه‌های کویتی و قطری برخی افراد داعش، در ناخودآگاه مخاطب، پیوند بین داعش و این کشورها را نهادینه سازد. پیامد این القای وابستگی گروه‌های جهادی، پیوند گروه‌های جهادی همچون حماس و جهاد اسلامی - فلسطین - به کشور قطر است. از دیدگاه سازندگان سریال، از آن جا که رابطه بین داعش و قطر، در قالب چنین سریالی نهادینه شده است، اگر گروه دیگری به قطب دیگر این جریان منتسب شود، آن هم رویکردی دجال‌گونه و منفی خواهد داشت و این نتیجه‌ای است که سازندگان سریال، در جهت دور نگه داشتن ذهن مخاطبان از گروه‌های جهادی رودروی رژیم اشغال‌گر قدس، دنبال می‌کنند.

1. <https://ar.wikipedia.org>

منابع

- آیتی، نصرت الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، قم: آینده روشن، دوم، ۱۳۹۰
- ابن ماجه، محمد بن یزید، کتاب السنن، بی‌جا: دارالکتب العلمیه، بی‌تا
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، نسخه موجود در نرم افزار جامع الاحادیث شیعه
- ابن بطریق حلی، یحیی بن حسن، العمدة قی عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار [نسخه خطی]، بی‌تا
- بی‌نام، تحلیل و بررسی سریال کلاغ‌های سیاه، اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۹۶
- پاکباز، رویین، دائرة المعارف هنر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، پنجم، ۱۳۸۵
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۷
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائده والجامع الکبیر)، بی‌جا: دارالنشر، بی‌تا
- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند، بیروت: دار احیاء التراث العربی و دار صادر، سوم، ۱۴۱۵
- عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بی‌جا: دارالریان للتراث، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۶ م
- مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، تحقیق: سمیرا امین الزهیری، قاهره: دارالنشر (مکتبة التوحید)، اول، ۱۴۱۲
- مهدیان فر، رضا، رویکرد تطبیقی به پایان تاریخ، قم: نشر المصطفی، ۱۳۹۴
- نووی، یحیی بن شرف، شرح نووی بر صحیح مسلم، دارالخیر، ۱۴۱۶
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: مؤسسه عزالدین و دارالفکر، اول، ۱۴۰۷
- نرم افزار جامع التفاسیر، نسخه ۵/۲، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی
- <https://fa.wikipedia.org>
- <http://www.al-culture.net>
- <http://irdiplomacy.ir>
- <http://islamicsham.org>
- <http://www.ammonnews.net>
- <http://www.theatlantic.com>

